

قصه پر غصه بانک رفاه کارگران

علی حدیری، نایب رئیس هیأت مدیره

سازمان تأمین اجتماعی



موضوع خصوصی سازی بانک رفاه کارگران از سوی مجالس و دولت های گذشته و به ویژه از اوایل دهه ۹۰ در کشور مطرح شده است. ذکر چند نکته در این مورد ضروری است:

۱. بانک رفاه کارگران که در حکم تأسیس آن یک «بانک تعاونی» بوده و یکی از سهامی عام ترین مجموعه های اقتصادی کشور بوده و به میلیون ها بیمه شده و مستمیری بگیر تأمین اجتماعی تعلق داشت، در سال ۱۳۵۸ در کنار بانک های خارجی و بانک های خصوصی، مصادره و دولتی شد ولی با تلاش متولیان وقت، طی دهه ۷۰ این اشتباه تصحیح و مدیریت و مالکیت بانک رفاه کارگران به صاحبان اصلی آن یعنی سازمان تأمین اجتماعی، برگشت.

۲. براساس سیاست های کلی اصل ۴۴، نهادهای عمومی غیردولتی از جمله تأمین اجتماعی می توانند تا ۸۰ درصد سهام شرکت های دولتی را تملک و مدیریت کنند. این نهادها از مصادیق مجاز برای خرید و تملک سهام واگذاری دولت هستند ولی بعدها به موجب قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ و اصلاحات چندباره آن، به غلط سازمان تأمین اجتماعی مشمول اصل ۴۴ و مکلف به واگذاری سهام خود شد و سقف تملک سهام به ۴۰ درصد محدود شد که در مورد بانک رفاه کارگران ابتدایه ۱۰ و سپس به ۳۳ درصد رسید.

۳. در حالی که قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ باید منجر به کاهش تصدی گری دولت می شد، با تغییراتی که در این قانون صورت گرفته و به ویژه تبصره های ساده ۵ آن، تصدی گری و بنگاهداری دولت افزایش می یابد ولی از محل «مال غصبی» با «معامله فضولی» یعنی اینکه مقرر شده ۳۰ درصد سهام بانک رفاه کارگران، تحت تملک و مدیریت وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گیرد.

۴. طبق قوانین جاری و ساری فعلی (قانون بانکداری خارجی) یک تبصره خارجی می تواند ۹۹ درصد سهام یک بانک ایرانی را تحت تملک و مدیریت خود داشته باشد ولی ۴۵ میلیون نفر بیمه شده و مستمیری بگیر تأمین اجتماعی نمی توانند مالک و مدیر بانکی باشند که از محل اندوخته های بیمه ای خودشان شکل داده اند. شاید بهتر باشد تأمین اجتماعی برود یکی از کشورهای کوچک و جزیره ای را بخرد و سهام بانک رفاه کارگران را به یکی از اتباع آن کشور خارجی متعلق به خود واگذارد کند!

۵. در حال حاضر بسیاری از بانک های کشور توسط فرد یا یک نهاد، مالکیت و مدیریت شده و می شود مثل بانک های مربوط به شهرداری ولی ظاهر افقط مشکل نظام بانکداری کشور، همین بانک رفاه کارگران متعلق به ۵ میلیون هائفرز بیمه شدگان و مستمیری بگیران تأمین اجتماعی است.

۶. عملکرد مدیران اسبق بانک رفاه کارگران و تأمین اجتماعی مورد تأیید تمام نبوده و نیست، ولی بانک رفاه کارگران همواره مقید به رعایت قوانین بانکی و اعمال نظارت بانک مرکزی بوده و هست و اطلاعات مربوط به این بانک از مدت ها قبل در کمال بورس بارگذاری شده و در دسترس است.

۷. طرفداران خصوصی سازی بانک رفاه کارگران، روی کاغذ فوایدی را برمی شمارند که البته همین فواید را برای بورس شدن شستا هم مطرح می کردند ولی این افراد پاسخ نمی دهند که ورود به کدام بورس؟! بورسی که هر هفته برای مدیریت آن (سرکوب عرضه و تشویق تقاضای سهام و بالعکس) در وزارت اقتصاد جلسه صبحانه کاری بر گزار می شود؟ بورس سی که در زیر زمین ساختمان آن تجهیزات ماینری و استخراج رمزارزها تجهیزات مربوط به انجام معاملات الگوریتمی برای نوسان گیری از معاملات انجام می شود؟ بورسی که سهام شرکت های بورس، بورس کالا و... در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی خاص است؟ بورسی که اعضای شورای عالی آن همزمان عضو هیأت مدیره چندین شرکت بودند؟

در پایان باید گفت به نام اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و برای کاهش تصدی گری و بنگاهداری دولت، پارادوکس تلخی شکل گرفته که به نظر نمی رسد نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور بتواند برای آن توضیح یا توجیه مناسبی بیاورد. مگر می شود قانونی نویسیم برای کاهش تصدی گری و بنگاهداری دولت و در آن حکم به تملک مال غیر (سهام غیر دولتی) توسط دولت را بدهیم و تصدی گری و بنگاهداری دولت را افزایش دهیم؟

روایت رنج های غسالان و کارگران قبرکن: نه تبدیل وضعیت نه افزایش حقوق

دریغ که هیچ زمان حتی در کرونا دیده نمی شویم



نسرین هزاره مقدم

نزدیک به دو سال از رنج های کرونایی مردم می گذرد. در این دو سال مملو از درد و مرگ، همه شهرزندان بدون استثنا، روزها و شب های پر دلهره ای را تجربه کردند اما برای برخی، این رنج ها به مراتب دشوار تر بود، جانکاه دقیقاً مثل خود جان کنند!

از آن زن دست فروشی که با وجود ازدحام مترو و خطر در کمین نشسته مرگ، مجبور بود برای تأمین قوت لایموت فرزندان، دوماسک سه لایه روی هم پیوشد و پاهای واگن های پر دلهره بگذار تا آن کارگر ساختمانی که در اوج پیک های پیاپی، حتی اگر خیلی ها تعطیل بودند و در خانه نشستند، باز هم مجبور بود آخر روی آجر بگذارد که اگر نمی گذاشت، شب، دست خالی و شام، گرسنگی نصیبش بود.

اما در خط مقدم همه این رنج ها و دلهره های جانکاه، گروه هایی قرار گرفتند که به طور مستقیم با ویروس کرونا و مبتلایان به آن، سرو کار داشتند؛ پزشکان و پرستاران، هزینه های بسیار دادند و صدها نفر از کادر درمان کشور، جان خود را بر سر بیمار داری از بیماران کرونایی گذاشتند؛ بهیاران، رانندگان آمبولانس ها، نیروهای خدماتی و پرسنل اداری بیمارستان ها و نه نهایت، در آخرین حلقه از این زنجیره پر خطر و دلهره آور، کارگران زحمتکش آرامستان ها.

لیست بالا، سیاهه همه آنهایی است که در دوران کرونا، کارشان، فداکاری مضاعف بود و هزینه های بسیار متقبل شدند اما سر لیست هر چه به سمت پایین تر حرکت می کنیم، میزان توجه مسئولان و التفات به این هزینه ها و دشواری های کار کمتر می شود تا جایی که

یک غسال زن در یکی از آرامستان های کرج می گوید: «هیچکس ما را ندید؛ چه روزها که اشهدمان را خواندیم و پا به غسالخانه گذاشتیم، چه شب ها که وقتی به خانه آمدیم و خواستیم سر بر بالین بگذاریم، دیدیم خواب به چشم هایمان نمی آید. چقدر نگرانی برای فرزندان و خانواده هایمان داشتیم و چه عذاب ها که کشیدیم اما هنوز ساده ترین خواسته های ما بی جواب مانده است. هیچکس این همه فداکاری را ندید. دریغ که هیچ زمان دیده نمی شویم...»

ارتباط گرفتن و صحبت کردن با غسالان و کارگران کفن و دفن دشوار است. صحبت ها همگی بوی غم های انباشته می دهد، بوی دردهای مانده و دلمه بسته بر لوح گمگین سینه ها. یک

نمی توان گفت فوت کادر درمان بر اثر کرونا، مصداق شهادت است، اما فوت غسالان بر اثر کرونا، شهادت نیست. مگر یک غسال که جاننش را کف دست گرفته و به خلق خدمت می کند، چه فرقی با یک پرستار یا پزشک دارد

خانم دیگر که در غسالخانه ای در تهران کار می کند، در رابطه با سختی های این شغل و گلاب های بسیار از مسئولان می گوید: «همیشه شغل ما دشوار بوده است. هیچکس تحمل این را ندارد که حتی یک ساعت در محل کار ما بنشیند و فقط نظاره گر باشد. پیکری می آورد که تمام تنش کرم گذاشته، آن یکی با هیأتیت و بیماری و اگر بیمار تمام کرده و یکی دیگر، روزهای متوالی در خانه مانده و بو گرفته. ما سال ها با این رنج ها دست و پنجه نرم

کردیم و دیده نشدیم. وقتی کرونا آمد، همه چیز هزار برابر بدتر شد اما باز هم ما را ندیدند. حتی حاضر نشدند ما را در صورت فوت بر اثر کرونا، شهید خدمت بنامند و حاضر نشدند نام ما کنار نام پرستاران بیایند...»

مطالباتی که کسی نمی بیند
در میانه مرداد ۹۹، خبر آمد که «محمد خمیس آبادی» که به عنوان غسال در مجموعه آرامستان بهشت سکینه (س) کرج خدمت می کرد، به دلیل ابتلا به بیماری کووید ۱۹ جان خود را از دست داد. همسر او نیز که در بخش زنان کار می کرده با کرونای سختی در گیر و روزها در بیمارستان بستری شد.

خمیس آبادی، تنها غسال کشور نیست که جان خود را در بحران کرونا از دست داده است. شاید حدود ده نفر از این نیروهای زحمتکش، مرگشان به رسمه ها هنوز در دست است، با این حال، هیچکدام از مطالبات شغلی این گروه، برآورده نشده و هیچ تلاشی برای بهبود وضعیت زندگی یا اشتغال این نیروهای جان بر کف به عمل نیامد.

اول اینکه شهید خدمت نشدند و مرگ کرونایی آنها، شهادت به حساب نیامد. دوم اینکه، در بسیاری از آرامستان های کشور، هنوز تبدیل وضعیت این نیروها انجام نشده و نیروهای غسال یا کفن و دفن همچنان به صورت پیمانکاری کار می کنند و سوم اینکه، برای بسیاری از آنها، هنوز سوخت و زیان آور بودن شغل به رسمیت شناخته نمی شود. مثلاً رانندگان حمل متوفی که با جنازه های دردناک و بعضار وضعیت بسیار بد سر و کار دارند ولی هنوز جزو مشاغل گسرو به قرار نگرفته اند. علاوه بر همه این مصائب، حقوق غسال ها و کارگران آرامستان ها در دوران کرونایالی افزایش نیافته است. این گروه برخلاف کادر درمان، نه امتیازی



بابت کرونا گرفتند نه حق الزحمه ای به آنها پرداخت شد.

در روزهای گذشته، مدیرعامل سازمان آرامستان های کشور گفت: متأسفانه افزایش حقوق و مزایای برای افراد مشغول به کار در آرامستان ها داشتیم و این موضوع تابع دستورات خاصی است که هنوز برای همکاران مادر آرامستان ها این اتفاق رخ نداده است.

امسال، «مهدوی دامغانی» سرپرست اتحادیه آرامستان های کشور ضمن پاسداشت اقدام شایسته و بزرگوارانه رئیس جمهور در دیدار با کارکنان آرامستان بهشت زهرا (س)، از ایشان درخواست کرد در شرایط سخت کرونا تبدیل وضعیت غسالان مورد توجه و دستور کار قرار گیرد.

او با تأکید بر ضرورت حمایت از غسالان در دوران شیوع کرونا افزود: تفهیل اموات یک واجب شرعی کفای است و غسالان با تمام توان در حال انجام این کار تخصصی هستند که خبری شهرها گاهی در شیفتهای متعدد این امر انجام می شود. از رئیس جمهور محترم تقاضا داریم تا در شرایط فعلی و افزایش حجم کاری آرامستان ها و کار تخصصی اعضای سالن تطهیر آرامستان ها، تبدیل وضعیت شغلی غسالان را در دستور کار قرار دهند زیرا این اتحادیه از سال گذشته پیگیر انجام این درخواست بوده ولی تاکنون اقدام چشمگیری صورت نگرفته است.

این مشکلات شغلی و نادیده گرفتن مطالبات، مصداق تبعیض و شهروند درجه یک و درجه دو دانستن، توسط مسئولان است. نمی خواهند بپذیرند یک غسال یا یک کارگر کفن و دفن نیز به اندازه یک پرستار یا پزشک، در دوران کرونا متحمل آسیب و خطر شده است. حتی از آنجا که این گروه

«حسان سهرابی» نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت فنی وزارت کار که پیگیر بهبود شرایط کارگران آرامستان های کشور و بحث تبدیل وضعیت آنهاست، در رابطه با شرایط شغلی ناگوار این کارگران زحمتکش می گوید: کارگران آرامستان های کشور همانند کادر درمان از روزهای اولیه کرونا در خط مقدم مشغول به کار بودند و معنی دور کاری را نفهمیدند و حتی یک روز تعطیلی نداشتند. این بزرگواران سال های سال است که به غیر از بیماری کووید ۱۹ سایر بیماری ها (تب کریمه، کنگو و...) و اجساد متفاوتی را تجربه می کنند که حتی تجسم و درک این رنج ها و دلهره ها، برای مسئولین امر و مقامات شهری دشوار است.

به گفته وی، بنابر مصوبات شورای عالی امنیت ملی و ستاد ملی کرونا، به استناد دستورالعمل نحوه تشکیل پرونده شهادی خدمت موضوع ماده ۱۳ آیین نامه اختصاصی، صرفاً کادر

درمان مشمول شهید خدمت می شوند و کارگران غسالخانه ها و سایر کارگرانی که در آرامستان ها با پیکر بی جان اموات کرونایی سروکار دارند و جان خویش را از دست می دهند، متأسفانه مشمول شهید خدمت نمی شوند. سهرابی ادامه می دهد: این تبعیض، به شدت آزاردهنده است. نمی توان گفت فوت کادر درمان بر اثر کرونا، مصداق شهادت است اما فوت غسالان بر اثر کرونا، شهادت نیست. مگر یک غسال که جانش را کف دست گرفته و به خلق خدمت می کند، چه فرقی با یک پرستار یا پزشک دارد؟

او از بی عدالتی دیگری انتقاد می کند: حدود دو هزار نفر از کارگران آرامستان های سراسر کشور، هنوز پیمانکاری هستند و به رغم این همه رنج و دشواری در بحران کرونا، تبدیل وضعیت نشده اند. در ارتباط با سخت و زیان آور شغل آنها تا سه سال گذشته اقدام شتو هفت گروه از کارگران آرامستان های کشور در زمره مشاغل ب قرار گرفتند که می توانند به راحتی از بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند اما سخت و زیان آور بودن برخی از گروه های شغلی مثل رانندگان اتومبیل های حمل متوفی، در گروه الف دسته بندی شده و باید از طریق کمیته های استانی اقدام کنند، در حالی که مسئولیت جمع آوری و حمل متوفیان، مسئولیتی بسیار سخت و به شدت زیان آور است.

نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت فنی وزارت کار خطاب به مسئولان شهرداری ها می گوید: دشوارترین کارهای مجموعه شهرداری، برعهده کارگرانی است که بسیاری از آنها پیمانکاری هستند، کارگران فضای سبز، پاکبان ها، مشاغل دشوارتری مانند غسالی یا تولی کفن و دفن، آن وقت ای عادلانه است که مدیران و نهامتوزینین که کارشان دفتری است و نه با متوفی و نه با بیماری سروکار دارند، رسمی باشند و اینها پیمانکاری. این همه تبعیض را چطور می توان تحمل کرد؟!

همیشه به شغل افتخار می کنم
تبعیض، بغضی ست که گلوی صدها و هزاران غسال و کارگر کفن و دفن و قبرکن را می فشارد. متأسفانه همه معادلات به ضرر زحمتکشانی است که در دو سال گذشته، خدمتگزاران راستین و واقعی مردم بوده اند، اینها واقعاً «جان» مایه گذاشته اند. او سال ها است در یک آرامستان در شهرستان کار می کند و با وجود همه رنج ها، می گوید: «بده نشدیم، تبدیل وضعیت مان نکردند و با همین دست ها بارها پیکر اموات کرونایی مردم را غسل داده ام. مرگ در دو قدمی ایستاده و همیشه در دو قدمی ما بوده اما بدون تظاهر بگویم همیشه به شغل افتخار می کنم...»

رئیس کانون بازنشستگان کارگری تهران:

سهم تأمین اجتماعی در لایحه بودجه سال آینده صفر است



بعد از مدتی متوجه می شویم که اراده ای برای بهبود وضع معاش طبقات فرو دست ندارند. به گفته وی، اگر پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی در لایحه بودجه دیده نشود، سازمان در سال آینده به مشکل جدی بر خواهد خورد و حتی نخواهد توانست از پس هزینه های جاری و یومیه خود بر بیاید. بدهی جاری دولت به

سازمان ماهانه حدود ۵ هزار و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است. پرداخت همین بدهی جاری بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار می خواهد و جای تأسف دارد که حتی همین بدهی جاری را در بودجه دیده اند که به برسد به بدهی تاریخی و انباشته دهقان کیا گفت: نمایندگان مجلس در بررسی و بازبینی بودجه باید حماسا سهم کارگران و بازنشستگان و سازمان تأمین اجتماعی را ببینند و گر نه مشکلات حادث تر می شود. تنها راه بهبود معاش و زندگی بازنشستگان کارگری، پرداخت بدهی دولت به سازمان است. بدهی را نپردازند، اوضاع بحرانی تر می شود.

رئیس کانون بازنشستگان کارگری تهران از دیده نشدن سهم تأمین اجتماعی در لایحه بودجه انتقاد کرد. به گزارش ایلنا، دیروز از لایحه بودجه ۱۴۰۱ رونمایی شد. بخشی از مولفه های این لایحه با انتظارات جامعه هدف و به خصوص کارگران و بازنشستگان تفاوت دارد و یکی از انتقادات وارد به لایحه اخیر

مربوط به سهم صفر سازمان تأمین اجتماعی است، چنانکه در بند (و) تبصره ۲ لایحه بودجه که همواره پرداخت بخشی از بدهی های دولت به سازمان تأمین اجتماعی دیده می شد، هیچ سهمی برای سازمان دیده نشده است. علی دهقان کیا در این رابطه گفت: متأسفیم که برای تأمین اجتماعی هیچ سهمی در نظر نگرفته اند و فراموش کرده اند که دولت حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به این بیمه گر بدهکار است. او با اشاره به متن لایحه بودجه افزود: دولت ها معمولاً با شعار بهبود وضع زندگی مردم و رنگین کردن سفره های کارگران به سر کار می آیند اما

گفتم کارگران بروند تا راحت تر مشکلاتشان را حل کنم!



مورد مشکلات شرکت خودروسازی شهرستان بروجرد گفت: کارگران ۱۱ ماه است که حقوق نگرفته اند. بنده در این کارخانه حضور پیدا کردم و با مساعدت رئیس جمهور و وزیر صنعت، معدن و تجارت بخشی از مشکلات را حل کردیم. در واقع در حال باز کردن گره های کور یک مشکل چند ساله هستیم. متأسفانه یک

فیلم تقطیع شده و سودجویانه از بنده منتشر شده که از کارگران می خواهم محل تجمع را ترک کنند. مقصودی در مورد برخوردش با کارگران گفت: بنده از کارگران خواستم بروند تا راحت تر بتوانم کارشان را پیش ببرم. در خواست اینجانب هم با استقبال پر شور کارگران همراه شد و خوشبختانه محل تجمع را ترک کردند اما عده ای خواستند به خدمات صادقانه اینجانب حمله کنند. از همه مردم و فعالان مجازی می خواهم که به هیچ وجه به ویدئوی تقطیع شده توجه نکنند. سوءاستفاده از فیلم های تقطیع شده باید برای همیشه به اتمام برسد.

روز نوزدهم آذر ماه، فیلمی از حاشیه سفر هیأت دولت به استان لرستان منتشر شد که از تجمع کارگران یک خودروسازی بروجرد منتشر شده بود. در این فیلم، نماینده بروجرد با لحن تند از تجمع کنندگان می خواهد که بروند و اگر یکی از شما اینجا بایستد، خودش می داند.

به گزارش توسعه ایرانی، بازتاب گسترده انتشار این فیلم در فضای مجازی، باعث شد که دیروز این نماینده مجلس در نقطه میان دستور خود، مدعی شود که فیلم تقطیع شده بوده و وی از کارگران خواسته تا بروند و وی کار آنها را راحت تر پیش ببرد.

فاطمه مقصودی، نماینده بروجرد در مجلس روز گذشته در صحن علنی مجلس درباره فیلمی از حضورش در تجمع شهرستان اشتریان که اخیراً در فضای مجازی منتشر شده، گفت: از کارگران خواستم بروند تا راحت تر بتوانم کارشان را پیش ببرم. به گزارش ایسنا، وی در